

نام و نسب سفیانی

همان گونه که روایات تأکید می‌کنند، او از نوادگان و از نسل «ابوسفیان» است و به همین دلیل هم به او «سفیانی» گفته می‌شود؛ گرچه در مورد نام پدرش، بین اینکه «عنبرسه» یا «عتبه» یا «معاویه» یا «یزید» باشد، اختلاف نظر وجود دارد، از امام علی(ع) روایت است که ایشان فرمود:

پسر جگرخوار از سرزمین بی‌آب و علف خارج می‌شود... نامش عثمان و نام پدرش عنبرسه و از نسل ابوسفیان است.

در حدیث دیگری از شیخ طوسی آمده است که سفیانی از فرزندان «عتبه بن ابوسفیان» است.

امام علی(ع) در نامه‌ای به «معاویه»، سفیانی را از شمار آنان دانسته و فرموده است:

مردی از فرزندان شوم و ملعون و بی‌نزاکت و تیره دل و بیمار و قسی‌القلب است و خداوند رحمت و عطوفت را از دل او گرفته است، گویی اکنون او را می‌بینیم. مادرش از قبیله بنی‌کلب است و اگر بخواهم نام او را می‌گویم و توصیف می‌کنم، او فرزند کسی است که سپاهی را به مدینه گسیل می‌دارد. آنها وارد آن شهر می‌شوند و به قتل و کشتار و هتک حرمت و تجاوز می‌پردازند و از میان آنها مردی پرهیزکار و مخلص پا به فرار می‌گذارد....

از امام باقر(ع) روایت شده که او از نسل «خالد بن یزید بن ابوسفیان» است.

و از امام علی بن الحسین(ع) نقل شده که حضرت او را از فرزندان «عنبرسه بن ابوسفیان» به شمار آورده و برخی روایات نام او را «عبدالله» گفته‌اند که این مطلب نزد علمای اهل سنت مشهور است. اما رأی مشهور این است که نام او «عثمان» از فرزندان «عنبرسه ابن ابوسفیان» است و همه می‌دانند که ابوسفیان پنج فرزند به نام‌های «عتبه»، «معاویه»، «یزید»، «عنبرسه» و «حنظله» داشت.

چیزی که در مورد آن در تمام این روایات اتفاق نظر وجود دارد. این است که او از نوادگان ابوسفیان بوده و قدر به یقین هم همان است.

اقدامات سفیانی

با بررسی و مطالعه دقیق احادیث اهل بیت(ع) در مورد زمان خروج سفیانی و جریان‌های هم زمان آن درمی‌یابیم که این حرکت، حرکتی سریع و برق‌آسا بوده و فاصله زمانی چندانی با ظهور امام مهدی(ع) ندارد امام صادق(ع) مدت زمان خروج او را از ابتدا تا آخر ۱۵ ماه ذکر نموده‌اند که او ۶ ماه آن را به جنگ می‌پردازد و هنگامی که مناطق پنج گانه «دمشق»، «اردن»، «حمص»، «حلب» و «قنسرین» را تصرف کند؛ دقیقاً ۹ ماه و نه یک روز بیشتر حکومت می‌کند. برخی روایات دوره حکومت او را به اندازه مدت بارداری یک زن (یعنی ۹ ماه) دانسته‌اند و با توجه به این دوره و جنگ‌ها و فتح‌های او در آن مدت کوتاه و فرجام او به دست سپاهیان امام زمان(ع)، به این نتیجه می‌رسیم که این رویدادها بسیار سریع و برق‌آسا روی می‌دهد. در اینجا به اختصار و نه مفصل به ذکر کارها و اقدامات او می‌پردازیم زیرا که روایات صحیح در مورد جزئیات آن رویدادها اختلاف نظر دارند.

۱. کشتار علویان و شیعیان اهل بیت(ع)

علویان در طول تاریخ یا بر ظلم و انحراف شوریده‌اند یا مانند آتشفشان خاموش و هر لحظه منتظر فرصت مناسب بوده‌اند. هیچ گاه آتش و انقلاب آنان خاموش نشده و همواره نشانه‌های شعله و دود این آتش پدیدار بوده است. بنابراین می‌بینیم که حاکمان بدسرشت، علویان و شیعیان اهل بیت(ع) را در رأس مخالفان خود قرار می‌دادند و علویان و شیعیان این مضمون را از گفتار ائمه(ع) دریافته‌اند. امام صادق(ع) می‌فرماید:

ما و خاندان ابوسفیان دو خانواده‌ایم که به خاطر خدا دشمن هم شدیم. ما می‌گفتیم خداوند راست می‌گوید و آنها می‌گفتند: دروغ می‌گوید، ابوسفیان با پیامبر (ص) جنگید، معاویه بن ابی سفیان با علی (ع)، یزید بن معاویه با حسین بن علی (ع) و سفیانی هم با قائم (عج) می‌جنگد.

پیروان و دوستداران آنها نیز چنین سرنوشتی داشتند و راه آنان را ادامه دادند و با مشکلات و دشواری‌های بسیاری در طول تاریخ دست و پنجه نرم کردند و برای درک بهتر این مصیبت‌ها، تنها مراجعه به کتاب مقاتل الطالبيين ابوالفرج کفایت می‌کند. با مطالعه تاریخ تشیع و علویان درمی‌یابیم که اعمال و رفتار و کردار سفیانی چیز جدیدی نیست بلکه او نیز همانند حاکمان ظالم و ستم‌پیشه گذشته راه قتل و تبعید و شکنجه اختیار می‌نماید، از امام صادق (ع) روایت است که می‌فرماید: روزی را می‌بینم که سفیانی وارد کوفه شده و ندا می‌دهد: هر کس سر یکی از شیعیان علی را بیاورد هزار درهم جایزه می‌برد، و همسایه علیه همسایه می‌شود و می‌گوید فلانی جزو آنهاست و گردنش را می‌زند و هزار درهم می‌گیرد، و حکومتان در آن موقع تحت سیطره فاسدان قرار می‌گیرد.

امام باقر (ع) می‌فرماید:

سفیانی و همراهانش خروج می‌کنند. در آن زمان تصمیم و هدفی جز اذیت و آزار و قتل خاندان محمد (ص) و شیعیان آنها را ندارد، گروهی را به کوفه می‌فرستد و جمعی از شیعیان اهل بیت (ع) را به قتل رسانده و بسیاری را به دار می‌آویزد. احادیث دیگری نیز وجود دارد که بیانگر کارها و مأموریت‌هایی اعم از کشتار و تبعید شیعیان است که این فاسق انجام می‌دهد.

۲. قتل علما و مخالفان و مجازات سخت زنان و کودکان

این ویژگی بارز مفسدان برای ترساندن مردم و ایجاد رعب و وحشت در دل آنان است، آنها در ابتدا تلاش می‌کنند علما و دانشمندان را با خود همراه کرده و در صورت مخالفت، آنها را به قتل می‌رسانند، آنها در حقیقت می‌خواهند علما را جذب خود کنند تا جنایت‌ها و کارهای آنها را توجیه کرده و به آنها مشروعیت بخشند. در حدیثی آمده است: سفیانی بدترین حاکمی است که علما و اهل فضیلت را به قتل می‌رساند و آنها را نابود می‌کند، در ابتدا از آنها کمک می‌خواهد، اگر کسی سرپیچی کند، او را به قتل می‌رساند. نقل شده که هر کس نافرمانی کند سفیانی او را می‌کشد و با ارّه تکه‌تکه می‌کند، «ابن عباس» می‌گوید: سفیانی می‌آید و جنگی به پا می‌کند که شکم زنان را می‌درد و کودکان را در دیگ می‌جوشاند. امام باقر (ع) او را بدترین مردم توصیف کرد و می‌فرماید: اگر سفیانی را ببینی، او بدترین مردمان است او سرخ‌روی، با موهای بور است و هرگز خدا را عبادت نکرده است.

۳. به اشغال درآوردن مناطق مختلف

روایت‌های تاریخی حاکی از آن است که سفیانی از کشورهای مسیحی روم (اروپا) می‌آید و صلیب به گردن دارد، از «بشر بن غالب» روایت شده که گفته است:

سفیانی با پیروزی از کشورهای غربی می‌آید و صلیب بر گردن دارد.

جنگش را از مناطق پنج‌گانه‌ای که روایت‌ها به آن اشاره شده، آغاز می‌کند. مناطق پنج‌گانه عبارتند از «دمشق»، «اردن»، «حمص»، «حلب» و «قنسرین» و به بیان دیگر او جنگ خود را از سرزمین شام آغاز می‌کند و بر آن چیره می‌شود سپس از آنجا به عراق و حجاز می‌رود. برخی روایات تأکید کرده‌اند که او با برخی شخصیت‌ها مانند «اصهب» و «ابقع» می‌جنگد و شاید این نام‌ها، کنایه از شخصیت‌های بزرگ اقوام این مناطق باشد. امام باقر (ع) می‌فرماید:

سفیانی با ابقع می‌جنگد و او و افرادش را به قتل می‌رساند، سپس اصبه را می‌کشد و مقصد بعدی او، عراق است. او سپاهش را از قرقسیا عبور می‌دهد و آنها در آنجا به جنگ می‌پردازند و سفیانی سپاه دیگری به کوفه روانه می‌کند. «قرقیسیا» شهر کوچکی است که در تلاقی «رود خابور» به رود فرات قرار دارد و در آنجا رود خابور به رود فرات می‌ریزد. این منطقه میان سه کشور «عراق»، «ترکیه» و «سوریه» قرار دارد.

روایت‌ها حاکی از وقوع چندین جنگ میان ترک‌ها و سپاه سفیانی و میان سفیانی و دیگر سپاه‌ها است. این جنگ‌ها بر سر گنجی واقع در رود فرات است که آن را کوهی از طلا و به قولی نقره دانسته‌اند و لازم به ذکر است که هیچ یک از طرفین جنگ به خاطر مشغول شدن به کارهای دیگر نمی‌توانند آن گنج را به دست آورند. ممکن است مراد از این گنج ثروت این منطقه اعم از وفور آب و منابع طبیعی آن باشد و البته خداوند آگاه‌تر از همه به امور است.

چیزی که وجود این احتمال را بیشتر می‌کند نرسیدن هیچ یک از طرف‌های درگیر به این گنج است زیرا در آن زمان این منطقه، منطقه جنگی بدون آرامش و استقرار است و این مانع آن می‌شود که گنج آن نمایان شود.

سفیانی وارد کوفه می‌شود و به جنگ و کشتار می‌پردازد. روایت‌ها از مردی به نام «شیصبانی» نام می‌برند که در کوفه با سفیانی می‌جنگد. جابر جعفی می‌گوید:

از امام باقر(ع) در مورد سفیانی پرسیدم فرمود:

قبل از سفیانی شیصبانی از کوفه بیرون می‌آید، همچنان که آب از زمین می‌جوشد، او هم خروج می‌کند.

این فاسق پس از استقرار پیدا کردن، همانند دیگر متکبران ستم پیشه که طمعشان پایان‌ناپذیر نیست، سپاهش را به حجاز گسیل می‌دارد و بنابر برخی احادیث، سپاه او وارد مدینه می‌شود و به غارت و ویرانی و چپاول می‌پردازد. در برخی روایت‌ها چنین نقل شده است که سفیانی سپاهی را به مدینه می‌فرستد و دستور قتل هاشمیان، حتی زنان آبستن آنها می‌دهد... .

سپس او سپاهش را به مکه اعزام می‌کند و آن نشانه وعده داده شده، یعنی فرو رفتن در زمین (خسف بیداء) اتفاق می‌افتد. در این هنگام قدرت سفیانی شروع به افول می‌کند تا اینکه امام زمان(عج) ظهور می‌کند و جنگ‌های وعده داده شده به رهبری او

و یاری پیروانش از یمن و خراسان و عراق و دیگران آغاز می‌شود. این جنگ‌ها به رهبری کسی است که وعده پیروزی و

چیرگی بر دشمنان به او داده شده است. سپاه سفیانی به تدریج از مناطق اشغالی، شکست خورده و عقب‌نشینی می‌کند.

سپس آن نبرد بزرگ میان سپاه امام و سپاه سفیانی به نام جنگ فتح قدس آغاز می‌شود. سپاه سفیانی از درون شروع به

نابودی و متلاشی شدن می‌کند و خود سفیانی نیز پس از چندین جنگ در شام و قدس به دست سپاه امام کشته می‌شود و به

این ترتیب جنبش امام، عصر نوینی را آغاز می‌کند.